



سال یازدهم / تابستان ۱۴۰۱

تأثیر فضای مجازی در بروز خشونت آشکار و پنهان (مورد مطالعه: شهروندان شهر رشت)

• میلاد بسطامی^۱، نادر افقی^۲، رضا علیزاده^۳

DOR: 20.1001.1.38552322.1401.11.43.10.6

چکیده

در عصر کنونی، فضای مجازی به دلیل کارکردها و تعاملات گسترده خود مورد توجه شمار زیادی از افراد قرار گرفته و کاربران زیادی را به خود جذب کرده است که تعداد زیادی از آنان به‌طور منظم و روزانه در این شبکه‌ها به فعالیت می‌پردازند و دارای امکانات و ویژگی‌های متفاوتی نظیر امکان ایجاد وبلاگ، آپلود ویدئو، تصاویر و محتواهای گوناگون هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فضای مجازی در بروز خشونت آشکار و پنهان در شهروندان شهر رشت انجام شده است. در این پژوهش، قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز و تأثیر شرایط و محیط خارجی بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی و نقش شبکه‌های مجازی در بازتولید خشونت آشکار و پنهان بر اساس نظریه کاشت در نظر گرفته شده است. پژوهش حاضر از لحاظ روش، در زمره پژوهش‌های کمی قرار دارد و داده‌های پژوهش به‌وسیله پرسشنامه و با حجم نمونه ۳۸۴ نفر و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، جمع‌آوری شده است، جامعه آماری نیز شهروندان مناطق پنج‌گانه شهر رشت می‌باشند. طبق یافته‌های پژوهش: قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز و استفاده از شبکه‌های مجازی، باعث افزایش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. استفاده از شبکه‌های مجازی باعث افزایش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. مطلوبیت شرایط و محیط خارجی باعث کاهش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. بر اساس نتایج رگرسیون چندگانه، متغیر محتوای مجازی خشونت‌آمیز ۴۸ درصد از تغییرات متغیر خشونت را تبیین می‌کند و این متغیر بیشترین اثر مستقیم را بر خشونت آشکار و پنهان داشته است.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، خشونت پنهان، خشونت آشکار، شهر رشت

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، پژوهش اجتماعی، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی، غیر دولتی کوشیار، رشت، ایران،
miladbastami99@gmail.com

۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، n_ofoghi@yahoo.com

۳ استادیار پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان، rezaalizadeh1977@gmail.com

مقدمه

افزایش نزاع در سطح جامعه معضلی اجتماعی و امنیتی قلمداد می‌شود و موجب نگرانی عمیق جامعه‌شناسان شده است. رشد روزافزون شبکه جهانی وب باعث شده است که این شبکه در سراسر جهان به‌عنوان رسانه‌ای کارآمد، به‌منظور تبادل اطلاعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی و اشاعه آن در حدی گسترده مورد توجه قرار گیرد. ارتباطات اینترنتی، افراد سراسر جهان را نسبت به وضع خود حساس و تأثیرپذیر کرده است. اکنون همه مردم آگاهی بیشتری برای تغییرپذیری دارند. افراد از طریق این رسانه، به شیوه‌ای تعاملی از نحوه زندگی سایر ملل آگاه می‌شوند و می‌کوشند ارزش‌ها و سنت‌هایی را که مانع ارتقاء سطح زندگی‌شان می‌شود، کنار گذارند یا تغییر دهند (رازقی، ۱۳۹۰: ۱۶). باید اذعان نمود که فناوری‌های جدید نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان‌ها، بلکه ایستار ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است (اولسون، ۱۳۷۷: ۵). همچنین از آنجایی که این فناوری منجر به گسترش فضای عمومی و حوزه فعالیت انسان‌ها شده، دیگر مجبور نیستیم بین کانال‌های محدود تلویزیونی و رادیویی دست به انتخاب بزنیم؛ این فناوری تعداد بی‌شماری از صفحات را در اختیارمان قرار می‌دهد که ما می‌توانیم با توجه به علایقمان آنها را انتخاب کنیم و شروع به فعالیت نماییم. یکی از موارد بسترساز جرم که رسانه و به‌ویژه رسانه‌های تصویری و شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد آن تأثیر دارند، ایجاد خشونت و بسترسازی برای بروز و افزایش آن در سطح جامعه است (عابدی و افشاری، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

ماهیت رسانه‌های جمعی به‌گونه‌ای است که برای جذب مخاطب ناگزیرند مفاهیم موردنظر و واقعیات را اغراق‌آمیز یا تحریف‌آمیز ارائه دهند و رسانه‌ها با انتخاب موضوع حوادث و چگونگی انتقال مفاهیم و پیام‌ها به مردم، نقش مؤثر در تعیین اشکال و محدوده جرم و انحرافات اجتماعی بر عهده دارند. از طرفی، امروزه خشونت و پرخاشگری در میان افراد جامعه شایع شده است که معلول علل و عوامل متعددی است. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی در این زمینه تأثیر بسیاری داشته‌اند؛ زیرا رسانه‌ها با تبلیغات کالاهای رنگارنگ، زندگی مرفه را آرمان و هدف مخاطبان ترسیم می‌کنند، درحالی‌که این هدف با شغل و درآمد مخاطبان قابل دسترسی نیست، در نتیجه میان اهداف و ابزار مشروع دستیابی به این اهداف فاصله ایجاد می‌شود. این وضعیت منجر به خشونت و پرخاشگری در میان افراد می‌گردد (رشکیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸-۱۴۷).

پخش خشونت رسانه‌ای موجب تحریک، حساسیت‌زدایی، بی‌قیدی و یادگیری اعمال خشونت‌آمیز می‌گردد. مخاطبان، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، بعد از دیدن این برنامه عیناً به تقلید رفتارها در عالم خارج می‌پردازند. همچنین تماشای مکرر صحنه‌های خشونت از طریق رسانه، موجب عادی شدن این اعمال می‌گردد و حساسیت ابتدایی به آن را از بین می‌برد و اعمال خشونت با آرامش ذهنی بیشتر انجام می‌شود (فولادی راد، ۱۳۹۱: ۱۷). خشونت ابعاد مختلفی دارد؛ خشونت فیزیکی شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگد زدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. خشونت کلامی و عاطفی با بدرفتاری روانی در الفاظی مانند اهانت، تهدید یا تحقیر کردن به کار برده می‌شود. خشونت جنسی عبارت است از اینکه بزرگسالان با بچه‌های بزرگ‌تر از یک کودک برای ارضای جنسی خود استفاده کنند که ممکن است همراه تماس یا بدون تماس باشد. اشکال تماس شامل لمس کردن جنسی کودک یا تقاضا نمودن از کودک که یک بزرگسال را لمس کند (رسول‌زاده اقدم، ۱۳۸۱: ۷). خشونت آشکار و عینی برای اکثریت افراد جامعه قابل رؤیت، ملموس و محسوس است، اما خشونت پنهان زیرکانه بوده و احساسات طرف مقابل را مورد هدف قرار می‌دهد و در راستای به سلطه درآوردن او حرکت می‌کند. این نوع خشونت به‌صورت خشونت‌های اجتماعی، روانی و عاطفی پنهان بروز پیدا می‌کند؛ بنابراین در کنار خشونت آشکار و عینی نوعی خشونت پنهان نیز وجود دارد. دعوای خشونت‌آمیز نیز در فضای مجازی بسیار شایع است که به چند علت در فضای گروه‌ها رخ می‌دهد. انگیزه سرگرمی و خندیدن می‌تواند تبدیل به تمسخر دیگران شود و به دنبال آن دعوا شکل بگیرد. گاهی سوء تفاهم و اطلاعات صحیح نداشتن از جریان گروه و عدم آگاهی از نوع روابط افراد منجر به دعوا می‌شود.

اکثر مردم کتک زدن و زخمی کردن و درگیری‌های فیزیکی را به‌عنوان مظهر خشونت معنا می‌کنند، در حالی که دامنه تعریف و وجوه عینی خشونت لایه‌های گسترده‌تری از رفتار انسانی را در برمی‌گیرد.

بر اساس تحقیقی در انگلستان ۲۵ درصد از نوجوانان به‌خصوص دختران ۱۱ تا ۱۹ ساله از طریق اینترنت تهدید شده‌اند. آمارهای ذکر شده بیانگر این موضوع می‌باشند که مسائل و خطراتی که در حال حاضر به‌واسطه استفاده از فضای مجازی خانواده و فرزندانمان را تهدید می‌کند. آمار دقیقی در خصوص میزان تخلفات رایانه‌ای و اینترنتی در دست نیست (خدافلی، ۱۳۸۳: ۳۵). ۸۱ درصد از مجرمین با انگیزه مالی، ۱۳ درصد با انگیزه غیر اخلاقی، ۳ درصد با

انگیزه انتقام‌جویی، ۲ درصد با انگیزه سرگرمی و یک درصد با انگیزه‌های دیگر مرتکب جرائم رایانه‌ای شده‌اند. بیشترین میزان جرائم رایانه‌ای مربوط به مردان است، به گونه‌ای که ۹۵ درصد از مرتکبین جرائم رایانه‌ای، مرد و در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال می‌باشند (به نقل از خبر آنلاین، ۱۳۹۱). برداشت از حساب‌های بانکی و هتک حیثیت، مهم‌ترین جرائم رایانه‌ای در ایران اعلام شده که نمونه‌ی آن، ارائه اطلاعات نادرست از استادان دانشگاه، دزدیدن عکس‌ها با استفاده از ایمیل و انتشار آن در سایت‌ها می‌باشد. لزوم پیگیری مسئله خشونت از آنجا بیشتر خود را نشان می‌دهد که بخش زیادی از منابع و امکانات جامعه صرف جبران خساراتی می‌شود که در نتیجه بروز خشونت‌های فردی با جمعی اتفاق می‌افتند. تقویت نیروهای نظامی و انتظامی برای مقابله با جرائم، تأسیس و افزایش ظرفیت زندان‌ها و ندامتگاه‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت، اخبار مربوط به رشد روزافزون قتل، نزاع، حمل اسلحه گرم و سرد، تجاوز و ... باعث ایجاد نگرانی در افراد جامعه می‌شود؛ بنابراین خشونت معضلی است که برای کل جامعه جهانی، از جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هزینه‌های سنگینی دارد. سالانه خشونت، میلیاردها دلار هزینه بر کشورها بار می‌کند. خشونت اشکال مختلفی دارد از جمله، خشونت جسمی، خشونت جنسی، خشونت فیزیکی و خشونت کلامی یا روانی؛ بنابراین با توجه به گستردگی جنبه‌های خشونت، نیاز است هر یک از این جنبه‌ها به صورت جزئی بررسی شود. خشونت لایه‌های وسیعی از رفتار انسانی را در برمی‌گیرد. با ذکر این توضیحات و با توجه به تأثیر قابل توجه فضای رسانه‌ای مجازی در بروز انواع خشونت، پژوهش حاضر در نظر دارد به تبیین تأثیر فضای مجازی در بروز خشونت آشکار و پنهان بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که فضای مجازی چه تأثیری در شکل‌گیری خشونت آشکار و پنهان دارد؟

پیشینه پژوهش

پژوهشگران مختلف خارجی و داخلی از زوایای گوناگون به بررسی تأثیر فضای مجازی در بروز خشونت پرداخته‌اند. در پژوهش‌های داخلی، طبق یافته‌های پژوهش طالعی و همکاران (۱۳۹۸)، خشونت در شبکه‌های اجتماعی مجازی ابتدا به صورت الگوسازی جدال کلامی تجربه می‌شود و سپس با نمایش خود جعلی به صورت قلدرنمایی نشان داده می‌شود تا نیاز به دیده شدن و مطرح شدن را ارضا نمایند. تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۲ مضمون اصلی (حاضر جوابی و قلدرنمایی) و ۷ مضمون فرعی (انگیزه، الگوسازی، انتقال جدال کلامی، نمایش خود جعلی، دعوای مجازی، دعوای گروهی مجازی و تشدید دعوای) و ۱۰۲ مفهوم اولیه

شد. همچنین طبق یافته‌های پژوهش صمدی و امیردور (۱۳۹۷)، بین میزان و نوع عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان پرخاشگری دختران دانشجوی مقطع کارشناسی رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد، بین استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای، محتواهای خشن و هیجانی تلویزیون‌های داخلی، بازی‌های رایانه‌ای خشونت‌آمیز و هیجانی با تمایلات دانش‌آموزان به بزهکاری همبستگی مستقیم، قوی و معناداری وجود دارد؛ همبستگی معناداری بین کمیت و محتوای استفاده از رسانه‌ها و تمایلات بزهکارانه دانش‌آموزان وجود دارد. بنابر یافته‌های پژوهش خرازانی (۱۳۹۵)، خانواده در کنترل گرایش به خشونت دانش‌آموزان بسیار مؤثر بوده و فضای خشونت‌طلبی در اینترنت و بازی‌های اینترنتی نیز در افزایش خشونت‌طلبی دانش‌آموزان مؤثر است. عضویت دانش‌آموزان در گروه‌های استفاده‌کننده اینترنت و استفاده از بازی‌های رایانه‌ای سبب گرایش آنان به خشونت می‌شود؛ از طرفی، کنترل و نظارت بر استفاده آنان از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای سبب کنترل خشونت می‌شود. قادرزاده و قادری (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که خشونت‌ورزی با متغیرهای قربانی خشونت شدن، شاهد خشونت بودن، بی‌عدالتی در مدرسه، توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها، میزان جرم در محله، نظارت والدین، پایبندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه و کنترل اجتماعی مرتبط است. میانگین خشونت‌ورزی دانش‌آموزان معادل ۳۹ درصد بوده. در میان ابعاد خشونت، نوع غالب خشونت کلامی بوده و خشونت فیزیکی شدید در پایین‌ترین سطح قرار داشته است. در پژوهش‌های خارجی، طبق یافته‌های پژوهش ناهر و مینار (۲۰۱۸)، پست‌های فضای مجازی می‌توانند به طور فعالی افراد را تحریک به بروز خشونت کرده و میزان خشونت را افزایش دهند. طبق یافته‌های پژوهش ابوبکر و عید (۲۰۱۸)، ۴۷ درصد از قلدری‌ها در مدارس رواج داشته و رابطه همبستگی معناداری بین نمایش خشونت رسانه‌ای و میزان بروز خشونت و قلدری در مدارس وجود داشته است. به طور معناداری پسران اظهار کردند که با دیدن خشونت در رسانه‌ها، میزان خشونت فیزیکی در آنان در مقایسه با دختران افزایش یافته است و در نهایت یافته‌ها نیاز فوری برای برنامه‌ریزی به منظور مبارزه با پیامدهای این پدیده در حال رشد را بیشتر نشان داد. پژوهش موجارس و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داد که بین استفاده از شبکه‌ها و میزان بزه و خشونت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین اکثر پاسخ‌دهندگان در طیف سنی ۱۳-۱۵ سال، زن و از دانش‌آموزان راهنمایی هستند که به طور هفتگی و یک‌بار

در روز از سایت‌های شبکه اجتماعی ۱-۳ ساعت در خانه استفاده می‌کنند. بیشتر آنان موافق بودند که با استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی بیشتر به مدرسه و جمع مرتبط هستند و وقتی با دوستانشان صحبت می‌کنند، احساس اطمینان بیشتری دارند و همچنین اظهار کردند که با استفاده بیشتر از شبکه‌ها کمبود خواب، دمدمی مزاج بودن و زیاده‌روی کردن در استفاده از بازی‌های کامپیوتری را نیز تجربه نموده‌اند.

با توجه به جمع‌بندی پیشینه‌های پژوهش، می‌توان گفت بیشتر پژوهش‌ها در سطح پژوهش‌های اسنادی و تحلیلی تطبیقی باقی مانده‌اند. این گروه از پژوهش‌ها کمتر بر ماهیت اکتشافی و میدانی تحقیق تمرکز داشتند. این تحقیقات اکثراً فاقد چارچوب نظری و یا دیدگاه نظری جامع بودند. دیدگاه نظری مانند پروژکتوری است که بر ابعاد برجسته‌تر مسئله می‌تابد و موضوع را روشن‌تر نشان می‌دهد تا بتوان به روابط تحلیلی و تبیین مسئله دست یافت. از جمله مواردی که می‌توان در بین پیشینه‌های خارجی مورد بررسی به آن اشاره کرد، این است که جامعه مورد بررسی اکثر پژوهش‌ها جوانان و دانشجویان بوده که این امر منجر به عدم تعمیم‌پذیری نتایج به کل جامعه می‌گردد؛ اما از سوی دیگر هم می‌توان گفت که جوانان و دانشجویان به علت ویژگی سنی‌شان و استفاده مداوم و مستمر و فزاینده‌شان از فضای مجازی و اینترنت، بیشتر از سایر لایه‌های اجتماعی در معرض انواع مسائل و مشکلات در فضای مجازی قرار می‌گیرند و بنابراین با بررسی آنها می‌توان میزان انواع تخلفات رایانه‌ای را در کل جامعه تحلیل و برآورد نمود.

چارچوب نظری

هیرشی^۱ در توضیح «نظریه کنترل اجتماعی» معتقد است که: "افراد زمانی بزهکار می‌شوند که نسبت به قیود اجتماعی کم‌اعتنا یا بی‌اعتنا شوند". این نظریه، هم به کنترل بیرونی و هم به کنترل درونی توجه دارد. هیرشی با الهام از دورکیم^۲، معتقد است رفتار انحرافی نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است. هیرشی از یک‌سو خود را از این تحلیل دورکیم متأثر می‌بیند که مدعی است "کج‌روی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است"؛ اما از سویی دیگر بر خلاف دورکیم و همفکران او، انسان را به خودی خود، متکی و پای‌بند به اصول اخلاق و مانند آن نمی‌داند. پس فرض را بر قطعی بودن تحقق کج‌روی در جامعه می‌گذارد و به

1 Hirchi

2 Dorkheim

ریشه‌یابی وقوع هم‌نواایی در جامعه می‌پردازد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۴). بروکویتز^۱ معتقد است اعمال منتهی به ایجاد محدودیت همچون محرکی برای بروز رفتارهای تهاجمی عمل می‌نماید و انگیزه افراد را برای توسل به خشونت و اقدام به تهاجم بالا می‌برد؛ به عبارت دیگر اگر فردی در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود، ناکامی حاصل احتمال پاسخ پرخاشگرانه او را افزایش می‌دهد. در این نظریه افراد به واسطه نیروهای محرومیت‌ساز بیرونی برای توسل به خشونت و اقدام به هجوم تهییج می‌شوند. بنابراین چنانچه خشونت در جامعه کنترل شود به واسطه علت اصلی که همان محرومیت است فقط محل آن تغییر می‌کند و در مواردی که مجال بیشتری دارند (مثلاً در خانواده) ظهور می‌یابد. البته واضح است که بروز رفتارهای تهاجمی علاوه بر محرومیت نیاز به زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های دیگری نیز دارد در محرومیت را باید یکی از علل این پدیده دانست. ناکامی عبارت است از عدم دستیابی به اهداف مورد نظر توسط کسی یا چیزی. هنگامی که فرد به هدف مورد نظرش نرسد، می‌گوییم فرد ناکام شده است. این هدف ممکن است یک هدف ورزشی یا غیر ورزشی در زندگی اجتماعی باشد (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴: ۲۹۰). ارتباط نزدیک با نظریه محرومیت نسبی تدرابرت گر دارد، عدم دستیابی به خواسته‌های مطرح شده سبب احساس محرومیت و سپس ناکامی و بروز پرخاشگری می‌شود. دیدگاه تضاد بر این باور است که ریشه خشونت اساساً در تضاد منافع است. رفتارهای خشونت‌آمیز بدون تضاد منافع، نه ضرورت می‌یابد و نه کاربردی دارد؛ این نظریه بر این باور است که هر چه موقعیت‌های تنش‌زا که روابط میان آدمیان را تهدید می‌کند، بیشتر باشد، احتمال بروز رفتار خشونت‌آمیز در جامعه بیشتر خواهد شد (اعزاز، ۱۳۸۰: ۷۶ به نقل از خرازانی، ۱۳۹۵). در نظریه کارکردگرا هر چند خشونت نوعی عارضه و بیماری اجتماعی شمرده می‌شود، اما این بیماری در روند حرکت اجتماعی ناگزیر به‌شمار می‌آید (فکوهی، ۱۳۷۸: ۷۸ به نقل از خرازانی، ۱۳۹۵). هر جامعه‌ای در طول حیات خود به دلیل افزایش تقسیم کار اجتماعی و پیچیده‌تر شدن روابط درون آن دائماً هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی جدیدی را به وجود می‌آورد که افراد باید خود را با آنها انطباق دهند تا بتوانند در شرایط جدید اجتماعی جای بگیرند و همبستگی خود را در درون انسجام اجتماعی حفظ کنند؛ اما افراد جامعه همواره قادر نیستند این عمل را انجام دهند، به خصوص اگر سرعت تغییرات زیاد باشد. نتیجه آن است که تغییرات اجتماعی می‌توانند سبب به وجود آمدن فشارهایی بر افراد شوند که در آنها ایجاد

1 Berkowitz

ترس و اضطراب نماید. این احساس‌ها نیز خود می‌توانند سرچشمه خشونت‌های فردی یا گروهی شوند که جامعه را از حالت توازن و تعادل خارج می‌کنند (فکوهی، ۱۳۷۸: ۷۹ به نقل از خرازانی، ۱۳۹۵). تاننباوم^۱ (۱۹۷۵) بر این اعتقاد است که مواجهه با خشونت رسانه پرخاشگری را افزایش می‌دهد؛ زیرا تحریک یا برانگیختگی مشاهده‌کنندگان را فزونی می‌بخشد. تصور می‌شود که خود برانگیختگی احساسی، پاسخ فیزیولوژیک نامشخصی باشد و افراد برحسب نوع موضوع مورد مشاهده آن را تعریف می‌کنند؛ بنابراین، چنانچه بینندگان در حال تماشای برنامه کمدی سرگرم‌کننده باشند، این احتمال وجود دارد که برانگیختگی درونی خود را سرگرمی و چنانچه در حال تماشای برنامه‌ای خشن باشند، آن را خشم تعبیر کنند.

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه کاشت جرج گربنر است. نظریه یادگیری اجتماعی بر تأثیرات متقابل بین رفتار و محیط تأکید دارد و بر الگوهایی از رفتار متمرکز می‌شود که فرد آنها را برای کنار آمدن با محیط در خود پرورش می‌دهد. نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، برخلاف رفتارگرایان ناب، بر اهمیت فرآیندها و متغیرهای شناختی تکیه می‌کنند و با توجه دادن به وجود قوه تعقل و فکر در فرد و توانمند شمردن او در بازنمایی نمادی موقعیت‌ها، متذکر می‌شوند که انسان می‌تواند پیامدهای احتمالی اعمال خود را پیش‌بینی کرده و رفتار خود را بر وفق آن تغییر دهد. بنابراین روزنامه‌ها، تلویزیون و سینما به‌عنوان الگوهایی که بسیار آموزنده هستند عمل می‌کنند. البته تمام موضوعاتی که از رسانه‌های خبری و سرگرم‌کننده آموخته می‌شوند منفی نیستند، اما در برخی از موارد چنین است. تلویزیون می‌تواند فرآیندهای شناختی ناقص را ایجاد کند که در این صورت به نوبه خود می‌تواند به رفتارهای جنایی منجر گردند (اولسون و هرگنهان، ۱۳۹۴: ۴۲۱). بندورا در خصوص خشونت در برنامه‌های داستانی تلویزیون این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که تحلیل برنامه‌های تلویزیونی نشان می‌دهد، اعمال خشونت‌آمیز غالباً به‌صورت اعمالی مجاز، موفق و نسبتاً مقبول جلوه داده می‌شوند. توجیه خشونت در برنامه‌های نمایشی بیشتر بر راه‌حل‌های خشونت‌آمیز صحنه می‌گذارد تا بر راه‌حل‌های جانشین خشونت. نه تنها نشان داده می‌شود که خشونت پاداش دریافت می‌کند، بلکه به ابرقهرمان‌ها نسبت داده می‌شود که بعد سرعت و سهولت رقبای خود را از میان برمی‌دارند، گویی کشتن بنی‌آدم هیچ اهمیتی ندارد (بندورا، ۱۳۷۲: ۲۹۲).

1 Tannenbaum

همچنین جرج گربرنر^۱ و همکارانش (۱۹۸۰) با طرح نظریه کاشت، این فکر نه‌چندان تازه را ارائه می‌دهند که واقعیت مشاهده شده از طریق تلویزیون بر این باورها و در نتیجه بر رفتار بینندگان تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، نمایش خشونت در برنامه‌های تلویزیون با ایجاد باورهای تازه‌ای در افراد، رفتار آنان را متأثر می‌سازد. او که اثر اصلی تلویزیون را جامعه‌پذیری، یعنی اشاعه ثبات و پذیرش وضعیت موجود می‌داند، معتقد است که تلویزیون تغییرات را به‌تنهایی به حداقل نمی‌رساند، بلکه این امر با هماهنگی دیگر نهادهای عمده فرهنگی محقق می‌شود.

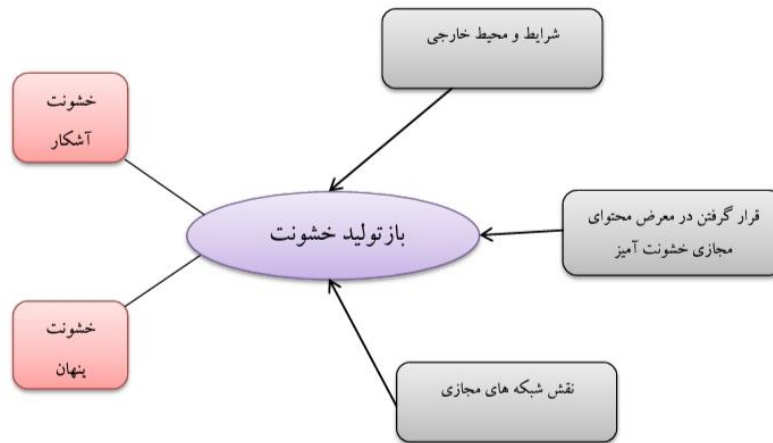
نظریه کاشت جرج گربرنر بیان می‌کند که تلویزیون در دنیای کنونی به منبع اصلی بیان وقایع و «تعریف‌کننده داستان‌ها» تبدیل شده است و دارای قدرت تأثیرگذاری و القاء واقعیت مورد نظر خود بر هستی اجتماعی و فکری مردم است. تحقیقات نشان داده است که بدون در نظر گرفتن عادات تماشای برنامه‌ها، زنان بیشتر از مردان (به‌طور مثال در مورد جنایت) نگران هستند؛ چراکه این ترس در بین زنان بیشتر تشدید شده تا در بین مردان. گربرنر همچنین معتقد است رسانه‌ها تصویری کاذب از حقیقت به مخاطبان خود عرضه می‌کنند، تا آنجا که مخاطب از تفسیر محتوای رسانه دست برمی‌دارد و به جای آنکه حقیقت عینی پیرامون خود را دریابد، تمایل می‌یابد حقیقت بودن تصاویر رسانه‌ها (تلویزیون و سایر رسانه‌ها) را باور کند. گربرنر با تفاوت فائل شدن بین مخاطب عادی و پرمصرف، تأثیر زیاد تلویزیون بر مخاطب پرمصرف را اثبات می‌کند. گربرنر می‌گوید: "از نظر تماشاگران پرمصرف، تلویزیون عملاً دیگر منابع اطلاعات، افکار و آگاهی‌ها را به انحصار درآورده و یک‌کاسه می‌کند". اثر این مواجهه با پیام‌های مشابه، چیزی را تولید می‌کند که وی آن را کاشت یا آموزش جهان‌بینی رایج، نقش‌های رایج و ارزش‌های رایج می‌نامد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۹۰-۳۹۱). وی عقیده دارد که پیام تلویزیون از چندین جنبه اساسی از واقعیات فاصله دارد، اما به جهت تکرار دائمی‌اش، نهایتاً به‌عنوان دیدگاه مورد وفاق جامعه، پذیرفته می‌شود و تماس ممتد با جهان تلویزیون، می‌تواند نهایتاً به قبول دیدگاه تلویزیون، که همواره واقعیت را به‌درستی منعکس نمی‌کند، درباره جهان واقعی منجر شود (کوایل، ۱۳۸۵: ۳۹۹). جریان اصلی، اشاره‌ای به تأثیرات تلویزیون در تثبیت و یکسان‌سازی دیدگاه‌ها در داخل جامعه است. به این معنا که تعبیر و تفسیر تلویزیونی شده‌ی زندگی، به‌عنوان جریان اصلی رایج می‌شود و نفوذ می‌کند. سورین و تانکارد می‌نویسند: "جریان سازی اصلی، هنگامی روی می‌دهد که تماشای بیش‌ازحد تلویزیون

1 George Gerbner

منجر به تقارن دیدگاه‌ها در جامعه می‌شود (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۹۱). یکی از پیامدهای این نوع جریان‌سازی، شکل‌گیری پدیده‌های خشونت آشکار و پنهان است:

خشونت آشکار می‌تواند شامل ضرب و جرح، تهدید، ناسزا، دشنام، بدگویی پشت سر افراد دیگر، زورگویی، رفتارهای قلدرمعبانه، داد و فریاد بر سر هم و ... باشد. اما نوع دیگری از خشونت، **خشونت پنهان** است که گاه تبعات روانی گسترده‌تری را برای فرد و جامعه می‌تواند در پی داشته باشد. خشونت پنهان شامل هرگونه رفتاری به صورت غیرمستقیم و غیرکلامی در قالب خشونت می‌شود. از جمله خشونت‌های پنهان می‌توان به خشونت جنسی، خشونت روانی، خشونت نوشتاری (مانند نوشتن شعار و متن‌های توهین‌آمیز در فضاهای مختلف مجازی) و ... اشاره کرد. خشونت روانی رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت، اعتماد به نفس و آبروی فرد را خدشه‌دار می‌کند. به عبارت دیگر هرگونه رفتاری که به کرامت و سلامت روانی آسیب برساند یا باعث آسیب عاطفی یا کاهش عزت نفس شود، در دسته خشونت پنهان قرار می‌گیرد. از مصادیق این امر می‌توان به تحقیر، فحاشی‌ها، تهدید مداوم به طلاق از طرف همسران، سوءظن و مواردی از این دست اشاره کرد. خشونت فیزیکی نیز شامل انواع بدرفتاری علیه یکدیگر است که به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود و جسم فرد را آزار می‌دهد. از مصادیق این امر کتک زدن، پرتاب کردن اشیاء و سیلی زدن، تهدید با چاقو و اشیاء خطرناک می‌باشد.

در نظریات مطرح شده پیرامون بحث خشونت، خشونت مقوله‌ای متأثر از شرایط و ساختارها و محیط بیرونی شناخته شده و علاوه بر آن عوامل فرافردی بر وقوع آن، تأثیر شایان توجهی داشته‌اند و بر نقش عوامل اجتماعی، غیراجتماعی، فرهنگی در خصوص یادگیری انواع رفتارها، به خصوص رفتارهای مجرمانه و منحرفانه تأکید شده است. همچنین بر قابلیت بهنجار یا نابهنجارسازی افراد در نحوه برخورد جامعه در این خصوص تأکید داشته و پیرامون رفتارهای نابهنجار و مخالف با اصول و موازین، مباحثی را مطرح نموده‌اند. به طور کلی، تمامی مباحث مطرح شده در بخش مبانی نظری بر نقش عوامل بیرونی (بسترها، شرایط، کنش‌ها و ارتباطات متقابل و ...) در ارتکاب و سوق دادن افراد به بروز رفتارهای مجرمانه اعم از رفتارهای پرخطر و منحرفانه مجازی یا واقعی، تأکید دارند. در نظریات مرتبط به بحث رسانه و فضای مجازی، رسانه‌ها تأثیر معناداری بر تصویر کلی جرم و خشونت در درون جامعه دارند. گستره این تأثیر تا آنجاست که می‌توان گفت انگاره‌هایی که بر آگاهی عموم درباره خشونت و پرخاشگری سایه افکنده است، عمدتاً محصول رسانه‌هاست.



شکل شماره ۱- مدل نظری پژوهش

جدول شماره ۱- نظریه‌های پژوهش

متغیرها	نظریه‌ها
محتوای مجازی خشونت‌آمیز	یادگیری اجتماعی
شرایط و محیط خارجی	یادگیری اجتماعی
شبکه‌های مجازی	کاشت

با توجه به موارد مندرج در جدول شماره ۱ در این پژوهش، قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز و تأثیر شرایط و محیط خارجی بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی در نظر گرفته شده است و نقش شبکه‌های مجازی در بازتولید خشونت آشکار و پنهان بر اساس نظریه کاشت جرج گربرنر است.

فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز باعث افزایش خشونت (آشکار، پنهان) می‌شود.

به نظر می‌رسد میزان استفاده از شبکه‌های مجازی باعث افزایش خشونت (آشکار، پنهان) می‌شود.

به نظر می‌رسد مطلوبیت شرایط و محیط خارجی باعث کاهش خشونت (آشکار، پنهان) می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش کمی است و برای گردآوری داده‌ها از فن پیمایش استفاده شده است. اطلاعات لازم از پرسشنامه به‌دست آمده که پس از پیمودن مطالعه مقدماتی و پیش‌آزمون، تنظیم و با مراجعه حضوری تکمیل شد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق شهری شهر رشت است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با استفاده از جدول مورگان تعداد ۳۸۴ نفر نمونه، به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند. با توجه به اینکه جمعیت افراد بالای ۱۸ سال ۵۱۸۷۷۳ نفر است، حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۸۴ تعیین گردید.

در این پژوهش برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی با توجه به حجم جامعه آماری استفاده شده است. شهر رشت دارای پنج منطقه و هر منطقه دارای یازده محله است. در پژوهش حاضر، از هر منطقه چهار محله به‌طور تصادفی انتخاب و داخل هر محله نیز جمع‌آوری داده‌ها در هر بلوک و به روش تصادفی و خلاف عقربه‌های ساعت صورت پذیرفته است. نوع اعتبار ابزار پژوهش، صوری است. پس از بررسی پرسشنامه و تأیید اعتبار آن، گویه‌های مورد نظر به‌منظور سنجش پایایی، در قالب پرسشنامه تنظیم و به‌شکل تصادفی بین ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شد و سرانجام، گویه‌های دقیق‌تر انتخاب گردید. میزان ضریب پایایی دو متغیر اصلی تحقیق در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول شماره ۲- ضرایب آلفا

متغیرها	ضریب آلفا
محتوای مجازی خشونت‌آمیز	0/729
خشونت آشکار	0/812
خشونت پنهان	0/707
نقش شبکه‌های مجازی	0/697
شرایط و محیط خارجی	0/806

پس از گردآوری داده‌ها به منظور تحلیل آنها ابتدا داده‌ها وارد نرم‌افزار آماری spss شدند و بعد از خطایابی و ساختن شاخص‌های موردنیاز با توجه به نوع فرضیه‌ها و سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های مرتبط استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

سیمای جامعه آماری

در جدول شماره ۳ توزیع فراوانی متغیرهای زمینهای پژوهش نظیر جنسیت، وضعیت تأهل، شغل، وضعیت منزل، سطح تحصیلات و درآمد خانواده گزارش شده است.

جدول شماره ۳- سیمای جامعه آماری

سیمای جامعه آماری	
جنسیت	از کل ۳۸۴ نفر جمعیت نمونه، ۱۶۳ نفر معادل ۴۲/۴ درصد مرد و ۲۱۸ نفر معادل ۵۶/۸ درصد نیز زن می‌باشند.
وضعیت تأهل	از کل ۳۸۴ نفر جمعیت نمونه، ۱۹۷ نفر معادل ۵۱/۳ درصد مجرد و ۱۷۳ نفر معادل ۴۵/۱ درصد نیز متأهل می‌باشند.
شغل	از کل ۳۸۴ نفر جمعیت نمونه، ۴۱ نفر معادل ۱۰/۷ درصد خانه‌دار، ۲۵ نفر معادل ۶/۵ درصد فرهنگی، ۲۴ نفر معادل ۶/۳ درصد بیکار، ۳۴ درصد معادل ۸/۹ درصد دانشجو، ۶۴ نفر معادل ۱۶/۷ درصد دارای شغل آزاد، ۶۷ نفر معادل ۱۷/۴ درصد کارگر، ۶۷ نفر معادل ۱۷/۴ درصد کارمند، ۵ نفر معادل ۱/۳ درصد استاد دانشگاه، ۴ نفر معادل ۱ درصد بازنشسته‌اند.
وضعیت منزل	از کل ۳۸۴ نفر جمعیت نمونه، ۲۰۲ نفر معادل ۵۲/۶ درصد دارای خانه شخصی می‌باشند و ۱۳۳ نفر معادل ۳۴/۶ درصد نیز در خانه رهنی و یا اجاره‌ای زندگی می‌کنند.
سطح تحصیلات	از کل ۳۸۴ نفر جمعیت نمونه، ۲ نفر معادل ۰/۵ درصد بی‌سواد، ۱۰ نفر معادل ۲/۶ درصد ابتدایی، ۲۵ نفر معادل ۶/۵ درصد راهنمایی، ۱۱۷ نفر معادل ۳۰/۵ درصد دبیرستان و دیپلم، ۴۹ نفر معادل ۱۲/۸ درصد کاردانی، ۱۱۲ نفر معادل ۲۹/۲ درصد کارشناسی و ۴۵ نفر معادل ۱۱/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشند.
درآمد خانواده	از کل ۳۸۴ نفر جمعیت نمونه، درآمد ۱۷۴ نفر معادل ۴۵/۳ درصد کمتر از چهار میلیون تومان، ۹۳ نفر معادل ۲۴/۲ درصد بین چهار تا شش میلیون تومان، ۵۶ نفر معادل ۴۵/۶ درصد بین شش تا ده میلیون تومان، ۱۴ نفر معادل ۳/۶ درصد بین ده تا پانزده میلیون و ۳۰ نفر معادل ۷/۸ درصد نیز درآمد خانواده‌شان بیشتر از پانزده میلیون تومان است.

وضعیت خشونت در شهروندان شهر رشت

جدول شماره ۴- توصیف متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش	میانگین	انحراف معیار
محتوای مجازی خشونت‌آمیز	0/34	0/693
خشونت آشکار	0/38	0/664
خشونت پنهان	0/50	0/738
خشونت	0/40	0/597
شبکه‌های مجازی	2/17	1/152
شرایط و محیط خارجی	3/78	0/692

با توجه به جدول شماره ۴، میانگین خشونت 0/40، خشونت آشکار 0/38، خشونت پنهان 0/50، قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز 0/34، نقش شبکه‌های مجازی 2/17 و شرایط و محیط خارجی 3/78 است. بر این اساس در کل خشونت در شهروندان شهر رشت بسیار پایین است، اما خشونت پنهان به میزان اندکی از خشونت آشکار بیشتر است.

گزارش نرمال یا عدم نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش ابتدا باید از نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش اطمینان حاصل شود، بدین منظور از کجی و کشیدگی استفاده گردید.

جدول شماره ۵- گزارش نرمال بودن توزیع داده‌ها

کجی و کشیدگی	شبکه‌های مجازی
کجی	0/422
کشیدگی	-0/113

در بررسی با استفاده از کجی و کشیدگی، اگر مقدار کجی و کشیدگی در محدوده $+2$ تا -2 قرار داشته باشد نرمال بودن متغیر موردنظر را نشان می‌دهد. بر این اساس، با توجه به جدول فوق و از آنجا که عدد کجی و کشیدگی متغیر شبکه‌های مجازی در این محدوده قرار دارد، می‌توان از آزمون پارامتریک استفاده کرد.

آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز باعث افزایش خشونت می‌شود.

جدول شماره ۶- رابطه میان محتوای مجازی خشونت‌آمیز با خشونت

خشونت پنهان	خشونت آشکار	خشونت	محتوای مجازی خشونت‌آمیز
0/675	0/628	0/681	میزان همبستگی پیرسون
0/000	0/000	0/000	سطح معناداری

با توجه به سطح معناداری مندرج در جدول شماره ۶ (۰/۰۰۰)، بین قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز و خشونت همبستگی معناداری وجود دارد. قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز باعث افزایش خشونت می‌شود. در واقع قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز باعث افزایش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. دیدن برنامه‌های تلویزیونی با محتوای خشونت‌آمیز و تماشای مکرر آن، باعث افزایش میزان خشونت در افراد می‌شود؛ بدین‌صورت که تماشای برنامه‌هایی که در آن دعوا، خشونت کلامی و صحنه‌های زدوخورد آن بیشتر باشد میزان خشونت را در افراد افزایش می‌دهد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد میزان استفاده از شبکه‌های مجازی باعث افزایش خشونت می‌شود.

جدول شماره ۷- رابطه میان میزان استفاده از شبکه‌های مجازی با خشونت

خشونت پنهان	خشونت آشکار	خشونت	شبکه‌های مجازی
0/186	0/205	0/222	میزان همبستگی پیرسون
0/001	0/000	0/000	سطح معناداری

با توجه به سطح معناداری مندرج در جدول شماره ۷ (۰/۰۰۰)، بین استفاده از شبکه‌های مجازی و خشونت همبستگی معناداری وجود دارد. استفاده از شبکه‌های مجازی باعث افزایش خشونت می‌شود. در واقع استفاده از شبکه‌های مجازی باعث افزایش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. استفاده نادرست از شبکه‌های مجازی با عنوان سرگرمی، با خود تمسخر و دعوای

لفظی به همراه دارد و از سویی دیگر، مقایسه شرایط زندگی خود با سایر افراد سبب احساس ناکامی در فرد شده و سبب گسترش خشونت به جهت تخلیه روحی و روانی افراد می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد مطلوبیت شرایط و محیط خارجی باعث کاهش خشونت می‌شود.

جدول شماره ۸- رابطه میان مطلوبیت شرایط و محیط خارجی با خشونت

خشونت پنهان	خشونت آشکار	خشونت	شرایط و محیط خارجی
-0/273	-0/275	-0/298	میزان همبستگی پیرسون
0/000	0/000	0/000	سطح معناداری

با توجه به سطح معناداری مندرج در جدول شماره ۸، بین مطلوبیت شرایط و محیط خارجی و خشونت همبستگی معنادار معکوس وجود دارد. مطلوبیت شرایط و محیط خارجی باعث کاهش خشونت می‌شود. در واقع مطلوبیت شرایط و محیط خارجی باعث کاهش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. مطلوبیت شرایط و محیط خارجی سبب می‌شود که میزان رضایت افراد از شرایط زندگی بهبود یابد و گرایش به رفتارهای خشونت‌آمیز در میان آنان کاهش یابد.

رگرسیون چندگانه

جهت انجام این تحلیلی آماری، از روش گام‌به‌گام استفاده شده است. بر این اساس، تأثیر متغیرهای پیش‌بین (محتوای مجازی خشونت‌آمیز، شبکه‌های مجازی و شرایط و محیط خارجی) بر متغیر ملاک (خشونت) سنجیده شده است. جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین توانسته‌اند ۴۸ درصد تغییرات متغیر خشونت را تبیین کنند.

جدول شماره ۹- ضریب تعیین

خطا	ضریب تعیین	r	Method
0/407	0/482	0/694	Stepwise

جدول شماره ۱۰- آنالیز واریانس مدل رگرسیون

سطح معناداری	شاخص f	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	Model
0/000	268/579	44/676	1	44/676	رگرسیون
		0/166	289	48/073	باقیمانده
			290	92/749	مجموع

با توجه به سطح معناداری جدول شماره ۱۰ معادله رگرسیون خطی و قابل پیش‌بینی است.

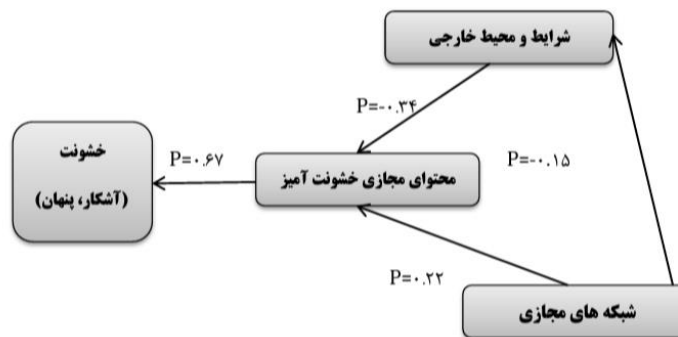
جدول شماره ۱۱- میزان تأثیر

معناداری	مقدار t	ضرایب غیر استاندارد		خشونت (آشکار، پنهان)
		مقدار Beta	مقدار B	
0/000	7/760	—	0/026	عرض از مبدأ
0/000	16/388	0/694	0/036	محتوای مجازی خشونت‌آمیز

در مدل فوق، متغیرهای تحقیق که شامل محتوای مجازی خشونت‌آمیز، شبکه‌های مجازی و شرایط و محیط خارجی است، به روش گام‌به‌گام وارد معادله شدند؛ در نتیجه متغیرهای شبکه‌های مجازی و شرایط و محیط خارجی از معادله خارج شدند و تنها متغیر محتوای مجازی خشونت‌آمیز در این معادله باقی ماند. بنابراین محتوای مجازی خشونت‌آمیز ۴۸ درصد از تغییرات متغیر ملاک (خشونت) را تبیین می‌کند.

بر اساس تحلیل مسیر انجام شده میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر

خشونت در قالب مدل مفهومی نمایان است:



شکل شماره ۲- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر خشونت

جدول شماره ۱۲ نشان‌دهنده اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای محتوای مجازی خشونت‌آمیز، شبکه‌های مجازی و شرایط و محیط خارجی بر متغیر خشونت آشکار و پنهان است.

جدول شماره ۱۲- میزان اثرات مستقیم و غیر مستقیم

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	خشونت (آشکار، پنهان)
۰/۶۷	-----	۰/۶۷	محتوای مجازی خشونت‌آمیز
-0/22	-0/22	-----	شرایط و محیط خارجی
0/11	۰/۱۴ -0/03	-----	شبکه‌های مجازی

بر این اساس محتوای مجازی خشونت‌آمیز بیشترین اثر مستقیم را بر خشونت آشکار و پنهان دارد. همچنین شرایط و محیط خارجی و شبکه‌های مجازی دارای اثرات غیرمستقیم بر خشونت است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز و تأثیر شرایط و محیط خارجی بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی در نظر گرفته شد. نظریه یادگیری اجتماعی بر تأثیرات متقابل بین رفتار و محیط تأکید دارد و بر الگوهایی از رفتار متمرکز می‌شود که فرد آنها را برای کنار آمدن با محیط در خود پرورش می‌دهد. همچنین نقش شبکه‌های مجازی در بازتولید خشونت آشکار و پنهان بر اساس نظریه کاشت جرج گربنر مورد توجه بوده است. از سوی دیگر، قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز باعث افزایش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. دیدن برنامه‌های تلویزیونی با محتوای خشونت‌آمیز و تماشای مکرر آن، باعث افزایش میزان خشونت در افراد می‌شود؛ بدین صورت که تماشای برنامه‌هایی که در آن دعوا، خشونت کلامی و صحنه‌های زدوخورد آن بیشتر باشد میزان خشونت را در افراد افزایش می‌دهد. استفاده از شبکه‌های مجازی باعث افزایش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. استفاده نادرست از شبکه‌های مجازی با عنوان سرگرمی، با خود تمسخر و دعوای لفظی به همراه دارد و از سویی مقایسه شرایط زندگی خود با سایر افراد سبب احساس ناکامی در فرد شده و سبب گسترش خشونت به جهت تخلیه روحی و روانی افراد می‌شود. مطلوبیت شرایط و محیط خارجی باعث کاهش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. مطلوبیت شرایط و محیط خارجی سبب می‌شود که میزان رضایت افراد از شرایط زندگی بهبود یابد. با توجه به نظریات مرتبط به بحث رسانه و فضای مجازی، رسانه‌ها تأثیر معناداری بر تصویر کلی جرم و خشونت در درون جامعه دارند. گستره این تأثیر تا آنجاست که می‌توان گفت انگاره‌هایی که بر آگاهی عموم درباره

خشونت و پرخاشگری سایه افکنده است، عمدتاً محصول رسانه‌هاست. ادعای اساسی نظریه یادگیری اجتماعی این است که رفتار اجتماعی نه به‌وسیله سائقه‌های درونی شخصیت و نه به‌وسیله عوامل محیطی و اجتماعی بیرونی تعیین می‌شود، بلکه نظریه‌پردازان یادگیری باور دارند که رفتار اجتماعی فرآیندی شناختی است که از طریق آن شخصیت و محیط در یک فرآیند مداوم تعامل متقابل قرار می‌گیرند. کانون توجه نظریه‌های یادگیری، شیوه‌های فراگیری کج‌روی است.

یافته‌های کلی تحقیق حاضر، ضمن همسویی با نتایج پژوهش، طالعی و همکاران (۱۳۹۸)، خرازانی (۱۳۹۵)، ناهر و مینار (۲۰۱۸) و موجارس و همکاران (۲۰۱۵)، بیان می‌کند که قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز باعث افزایش خشونت می‌شود. نظریه یادگیری اجتماعی که یک نظریه یادگیری و رفتار اجتماعی است، پیشنهاد می‌کند که رفتارهای جدید را می‌توان از طریق مشاهده و تقلید از دیگران به‌دست آورد. این نظریه بیان می‌کند یادگیری یک فرآیند شناختی است که در یک زمینه اجتماعی شکل می‌گیرد و می‌تواند از طریق مشاهده یا آموزش مستقیم باشد. همچنین علاوه بر مشاهده رفتار، یادگیری نیز رخ می‌دهد.

از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افزایش میزان ارتکاب به **خشونت آشکار** و **پنهان** از دیگر موارد قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز است. دیدن برنامه‌های تلویزیونی با محتوای خشونت‌آمیز و تماشای مکرر آن، بر میزان خشونت افراد تأثیرگذار خواهد بود؛ به این صورت که تماشای برنامه‌هایی که در آن دعوا، خشونت کلامی و صحنه‌های زد و خورد در آن بیشتر دیده شود، میزان خشونت افراد را افزایش می‌دهد. همچنین بر اساس نظریه کاشت جرج گربنر قرار گرفتن در معرض محتوای مجازی خشونت‌آمیز باعث افزایش خشونت آشکار و پنهان می‌شود. فرضیه اصلی در نظریه کاشت این است که هرچقدر مردم زمان بیشتری را صرف تماشای تلویزیون کنند، باورها و فرض‌هایشان در مورد زندگی و جامعه، بیشتر با پیام‌های مکرر و ثابت در برنامه‌های هنری، تفریحی و سرگرمی تلویزیون هم‌خوانی خواهد داشت. حال اگر بازتولید شبکه‌های مجازی محتوای خشونت‌آمیز باشد، بر افراد بیننده تأثیر گذاشته و سبب بروز خشونت آشکار و پنهان می‌شود و گرایش به رفتارهای خشونت‌آمیز را در فرد تقویت می‌کند. یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر، ارتباط بین مطلوبیت شرایط و محیط خارجی با کاهش میزان خشونت است. مطلوبیت شرایط و محیط خارجی سبب می‌شود که میزان رضایت افراد از شرایط زندگی بهبود یابد و گرایش به رفتارهای

خشونت‌آمیز در میان آنان کاهش یابد و میزان صبر و شکیبایی افراد در شرایط‌های خاص کنترل شود؛ اما بالعکس افرادی که شرایط و محیط خارجی آنان مطلوبیتی ندارد یا میزان مطلوبیت آن پایین می‌باشد میزان گرایش آنان به انجام رفتارهای خشونت‌آمیز افزایش می‌یابد. در پایان باید به این نکته مهم اشاره نمود که افراد خشمگین از شرایط اقتصادی و اجتماعی چون توان انتقام گرفتن از ساختارهای ناکارآمد سیاسی و اجتماعی را ندارند، در چنین شرایطی خانواده ضعیف‌ترین هدف برای تخلیه خشم آنان است و زنان، کودکان و سالمندان قربانیان اصلی خشونت‌های خانوادگی و پنهان به‌شمار می‌روند. یکی از جنبه‌های مواجهه نادرست جامعه با وقایع خشونت‌آمیز را بازنمایی بیش از پیش خشونت در جامعه و شکل‌گیری انواع خشونت‌های پنهان می‌توان دانست. در همه دوره‌ها و زمان‌ها خشونت و رفتارهای خشونت‌آمیز وجود داشته است، اما این خشونت‌ها دقیق و واضح در جامعه منتشر نمی‌شد؛ به‌عنوان مثال در همین چند سال گذشته یک صفحه از روزنامه‌ها به جنایات و حوادث خشونت‌آمیز اختصاص داشت و به جزئیات ماجرا پرداخته نمی‌شد. از میان ابعاد مختلف خشونت، خشونت روانی و پنهان مخرب‌ترین نوع است؛ زیرا بنا به عقیده روانشناسان روان فرد را به هم ریخته و او را مستعد ارتکاب بسیاری از جرائم می‌نماید.

منابع

- احمدی، حبیب و عباسی شوازی، محمدتقی و یادگاری، رامین و کرمی، فرشاد (۱۳۹۶)، مطالعه رابطه بین استفاده از رسانه‌های مدرن و تمایل به بزهکاری در بین نوجوانان دانش‌آموز (مطالعه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بستک)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، زمستان، سال ششم، شماره چهارم.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارده.
- اولسون، دیوید (۱۳۷۷)، رسانه‌ها و نماد، صوت‌های بیان، ارتباط و آموزش. ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.
- اولسون، متیو. هرگنمان، بی آر (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، نشر دوران.
- بندورا، آلبرت (۱۳۷۲)، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، انتشارات راهگشا.
- جوزف، ورنر. تانکارد، سورین (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، نشر موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- خداقلی، زهرا (۱۳۸۳)، جرائم کامپیوتری، تهران: انتشارات آریان.
- خرازانی، سید حمید (۱۳۹۵)، رابطه استفاده از فضای سایبر با گرایش دانش‌آموزان به خشونت، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره اول.
- رابستون (۱۳۷۳)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد انتشارات آستان قدس.
- رازقی، نادر (۱۳۹۰)، پیشگیری از خشونت در فضای مجازی، دادگستری استان مازندران.
- رسول‌زاده اقدم، صمد (۱۳۸۱)، عوامل مؤثر بر خشونت علیه کودکان در خانواده‌های تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رشکیانی، مهدی (۱۳۸۷)، بررسی رابطه خشونت واقعی و خشونت تلویزیونی در برنامه‌های تلویزیونی ایالت متحده.
- صمدی، مهران و امیردور، شهلا (۱۳۹۷)، مطالعه رابطه بین میزان و نوع فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی با میزان پرخاشگری دختران دانشجوی مقطع کارشناسی ساکن در خوابگاه دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، مجله زن و مطالعات خانواده، زمستان، دوره ۱۱، شماره ۴۲.
- طالعی، علی و اسمعیلی، معصومه و فلسفی نژاد، محمدرضا و کاظمیان، سمیه و برجعلی، احمد (۱۳۹۸)، خشونت و پرخاشگری در شبکه‌های اجتماعی مجازی از دیدگاه نوجوانان: یک مطالعه پدیدارشناسی، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز، (۱)، ۲۵-۴۸.

- عابدی تهرانی، طاهره. افشاری، فاطمه (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی رسانه‌های تلویزیونی در بروز خشونت در جوامع، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸)، خشونت سیاسی: نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، ناشر پیام امروز.
- فولادی راد، فرزاد (۱۳۹۱)، بررسی رابطه خشونت تلویزیونی با خشونت واقعی در میان کودکان.
- قادرزاده، امید و بهروز، قادری (۱۳۹۵)، تحلیل چند سطحی خشونت‌ورزی: مطالعه پیمایشی خشونت‌ورزی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر سقز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال پنجم، بهار، شماره ۱.
- نادریان جهرمی (۱۳۸۴)، مبانی جامعه‌شناسی در ورزش اصفهان، انتشارات هنرهای زیبا.
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵)، سیاست‌گذاری رسانه‌ای، ترجمه مریم بنی‌هاشم، سال پانزدهم، شماره دوم.
- Ahmadi, Habib and Abbasi Shawazi, Mohammad Taghi and Yadgari, Ramin and Karmi, Farshad (2016), study of the relationship between the use of modern media and the tendency to delinquency among young students (study of high school students in Bastak), strategic security and order research Social, winter, 6th year, 4th issue.
- Abedi Tehrani, Tahereh. Afshari, Fatemeh (2012), Pathology of television media in the occurrence of violence in societies, Criminal Law and Criminology Research Journal, Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research.
- Azazi, Shahla (2008), Society structure and violence against women, Social welfare research quarterly, fourth year, number fourteen.
- Bandura, Albert (1993), Theory of Social Learning, translated by Farhad Maher, Rahgosha Publications.
- Khodaqoli, Zahra (2004), computer crimes, Tehran: Arian Publications.
- Fakuhi, Nasser (1999), Political Violence: Theories, Discussions, Forms and Solutions, Payam Mozor Publisher.
- Fuladi-Rad, Farzad (2012), investigating the relationship between television violence and real violence among children.
- Khorazani, Seyed Hamid (2015), the relationship between the use of cyber space and students' tendency to violence, Intelligence and Criminal Research Quarterly, Year 11, Number 1.
- Joseph, Werner. Tankard, Sorin (2007), Theories of Communication, Tehran University Printing and Publishing Institute.
- Jibon Naher & Matiur Rahman Minar (2018), Impact of Social Media Posts in Real life Violence: A Case Study in Bangladesh, July 1997, El Paso, Texas USA.
- Naderian Jahormi (2004), Sociology Basics in Isfahan Sports, Fine Arts Publications.
- McQuail, Dennis (2015), Media Policy, translated by Maryam Bani Hashem, year 15, number two.
- Nesrin N. Abu-Baker & Saleh Nasser Ayyd (2018), The Relationship Between Exposure

- to Media Violence and School Bullying in Jordan. Published by Canadian Center of Science and Education. Global Journal of Health Science; Vol. 10, No. 5.
- Olson, David (1998), media and symbols, voices of expression, communication and education. Translated by Mahbobeh Mohajer, Tehran: Soroush Publications.
 - Olson, Matthew. Hergenman, BR (2014), An Introduction to Learning Theories, translated by Ali Akbar Saif, Doran Publishing House.
 - Qadirzadeh, Omid and Behrouz, Qadri (2016), Multi-level analysis of violence: a survey study of violence among high school students in Saqqez city, Strategic Researches on Security and Social Order, 5th year, spring, number 1.
 - Razaghi, Nader (2011), Prevention of violence in cyber space, Justice of Mazandaran province.
 - Rasulzadeh Aghdam, Samad (2012), Factors affecting violence against children in Tehrani families, Master's thesis in Sociology, Shahid Beheshti University, Tehran.
 - Rashkiani, Mehdi (2007), investigating the relationship between real violence and television violence in television programs in the United States.
 - Robston (1994), an introduction to society, translated by Hossein Behravan, Mashhad, Astan Quds Publishing House.
 - Rowena E. Mojares, Chris Joven R. Evangelista, Ronald A. Escalona, Kerk Joseph Ilagan (2015), Impact of Social Networking to Juvenile Delinquency International Journal of Management Sciences; Vol. 5, No. 8, 582-586.
 - Samadi, Mehran and Amirdavar, Shahla (2017), the study of the relationship between the amount and type of activity in virtual social networks and the level of aggression of female undergraduate students living in the dormitory of Islamic Azad University of Tabriz, Journal of Women and Family Studies, Winter, Volume 11, No. 42.
 - Talei, Ali and Ismaili, Masoumeh and Falsafinejad, Mohammadreza and Kazemian, Samia and Barjali, Ahmed (2018), violence and aggression in virtual social networks from the perspective of teenagers: a phenomenological study, applied counseling bi-monthly, Shahid Chamran University, Ahvaz, 1), 48-25.